Quarterly Journal of Fiscal and Economic Policies

Fall 2023, Vol. 11, No. 43, PP. 31-64

Identifying the Problems and Challenges of Risk Disclosure in Banks: with an Emphasis on the Grounded Theory Method

Mandana Taheri*

Assistant Professor, Accounting Department, Management and Accounting Faculty, Allameh Tabatabai' University, Tehran, Iran.

Received: 03/07/2023 **Accepted: 04/12/2023**

Abstract:

Risk disclosure is one of the key reports of this industry in the capital market. In this paper, we investigated the barriers to risk disclosure in Iranian banks. This research has been done with a qualitative approach and based on grounded theory. The data of this paper were collected and coded through in-depth interviews with 15 capital market experts, banks, central banks and independent auditors of banks. The analysis of the interviews led to the identification of four serious barriers to risk disclosure in Iranian banks, which include environmental challenges, regulatory challenges, macro challenges and banking industry challenges. According to the results of this survey, regulatory weaknesses in set and punishment, the infancy of Iran's banking industry, lack of training and proficiency in risk identification and disclosure, sanctions on the Iranian banking system, lack of necessary infrastructure for measurement and disclosure, lack of strategy and activities Contrary to the objectives of establishing a bank in the economy, government and governmental structures governing the bank, disclosure costs and lack of proper accountability mechanism in the bank and other factors effect on risk disclosure and prevent the presentation of a favorable, coherent and comprehensive disclosure of the bank's risk situation. It's necessity In order to remove these barriers, the supervisors and developers of standards and regulations in the Iranian financial market, including the Central Bank, the Stock Exchange and Securities Organization and the Auditing Organization, are taking corrective measures to remove these barriers and plan to improve the level of risk disclosure.

JEL Classification: G2, G32

Keywords: Risk Disclosure Challenges, Business Environment Challenges, Banking Regulation Challenges, Banking Industry Challenges, Grounded Theory.

* Corresponding Author, Email:mandanataheri@atu.ac.ir

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-07]

[DOI: 10.61186/qjfep.11.43.31]

[DOI: 10.61186/qjfep.11.43.31] [Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-07]

سال یازدهم، شماره ۴۳، پاییز ۱۴۰۲، صفحات ۶۴-۳۱

شناسایی موانع و چالش‌های افشای ریسک در بانک‌ها: با تأکید بر روش نظریه زمینه بنیاد

ماندانا طاهری

استادیار، گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
mandanataheri@atu.ac.ir

افشای ریسک یکی از گزارش‌های کلیدی صنعت بانکداری در بازار سرمایه است. بر این اساس، در این پژوهش به بررسی موانع افشای ریسک در بانک‌های ایران پرداخته شده است. این پژوهش با رویکرد کیفی و مبتنی بر روش نظریه زمینه بنیاد انجام شده است. داده‌های این پژوهش از طریق انجام مصاحبه عمیق با ۱۵ نفر از خبرگان بازار سرمایه، بانک‌ها، بانک مرکزی و حسابرسان مستقل بانک‌ها جمع‌آوری و کدگذاری شد. تحلیل و بررسی مصاحبه‌های انجام شده منجر به شناسایی چهار مانع جدی برای افشای ریسک در بانک‌های ایران شد که شامل چالش‌های محیطی، چالش‌های نهاد ناظر، چالش‌های کلان و چالش‌های صنعت بانکی است. بر اساس نتایج این بررسی ضعف‌های مقرراتی و نظارتی در تدوین و تنبیه، نوپا بودن صنعت بانکی ایران، فقدان آموزش و تبحر در شناسایی و افشای ریسک، تحریم‌های حاکم بر نظام بانکی ایران، فقدان زیرساخت‌های لازم برای اندازه‌گیری و افشا، فقدان استراتژی و انجام فعالیت‌هایی خلاف اهداف تأسیس بانک در اقتصاد، دولتی بودن و ساختارهای دولتی حاکم بر بانک، هزینه‌های افشا و فقدان سازوکار پاسخگویی مطلوب در بانک و عوامل دیگر بر افشای ریسک اثرگذار هستند و مانع از ارائه گزارش مطلوب، منسجم و جامع از وضعیت ریسکی بانک می‌شوند و ضرورت دارد جهت رفع این موانع نهادهای ناظر و تدوین‌کننده استاندارد و مقررات در بازار مالی ایران شامل بانک مرکزی، سازمان بورس و اوراق بهادار و سازمان حسابرسی اقدامات اصلاحی جهت رفع این موانع و برنامه‌ریزی برای ارتقا سطح افشای ریسک را انجام دهند.

طبقه‌بندی JEL: G2,G32

واژگان کلیدی: موانع افشای ریسک، موانع محیط کسب‌وکار، موانع مقررات‌گذاری بانکی، موانع صنعت بانکی، نظریه زمینه‌بنیاد

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۱۳

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-07]

[DOI: 10.61186/qjfep.11.43.31]

۱. مقدمه

رشد تجارت و پیچیدگی‌های محیط کسب‌وکار، تقاضا برای گزارش اطلاعات قابل فهم و قابل مقایسه را به ضرورتی جدا نشدنی از توسعه بازارهای مالی تبدیل کرده است. گزارشگری و افشا برای شبکه بانکی به‌عنوان بخش با اهمیتی از بازار پولی نیز اهمیت دارد و در ایران با توجه به اهمیت بازار پول بخصوص شبکه بانکی در تأمین مالی این اهمیت دو چندان است. در ایران بانک ها ملزم به افشا و گزارش اطلاعات و رویدادهای مالی و اقتصادی خود هستند و مبتنی بر بخشنامه های بانک مرکزی، مقررات سازمان بورس و اوراق بهادار و استانداردهای حسابداری ایران به تهیه و تدوین صورت‌های مالی و یادداشت‌های همراه خود می‌پردازند، اما تاکنون با وجود داشتن مقررات و بخشنامه‌های مختلف برای افشای ریسک از سال ۱۳۸۳ تاکنون (رحمانی و همکاران، ۱۳۹۸)، به‌استثنای تغییرات رخ‌داده در انتشار صورت‌های مالی و یادداشت‌های همراه آن برای بانک‌ها در سال ۱۳۹۵ و الزام به افشا محدود و کنترل‌شده ریسک به‌عنوان بخش کوچکی از صورت‌های مالی و یادداشت‌های همراه، این مهم به‌خوبی در بانک‌های ایران رخ نداده است و گزارش منفک از صورت‌های مالی و یادداشت‌های همراه آن برای افشای ریسک بانک‌ها وجود ندارد.

اهمیت این موضوع از آن جنبه است که عملیات بانکی مبتنی بر ریسک انجام می‌شود و گزارش ریسک بانک‌ها بابت فعالیت‌ها و عملیات واسطه‌گری آن‌ها یکی از مهم‌ترین گزارش‌های بانک‌ها است که بر تصمیمات سرمایه‌گذاری و تخصیص منابع اثرگذار خواهد بود و این در حالی است که فضای کسب‌وکار بانکی در ایران نه‌تنها از اهمیت مسئله ریسک تا قبل از اصلاحات اعمال‌شده در سال ۱۳۹۵ غافل بوده است، بلکه در حال حاضر نیز شکاف عمیقی بین تغییرات اعمال‌شده با اصلاحات بین‌المللی صورت گرفته در حوزه ریسک و شناسایی و افشا آن وجود دارد. به عبارتی، پس از بحران مالی بین‌المللی ۲۰۰۸ بسیاری از نهادهای ناظر مالی و بانکی به اهمیت ریسک و افشا آن در مؤسسات مالی و بانکی پی برده و تغییرات و اصلاحات گسترده‌ای را با هدف شناسایی، اندازه گیری و گزارش دقیق و قابل اتکا از ریسک در رهنمودها، مقررات و

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-07]

[DOI: 10.61186/qjfep.11.43.31]

استانداردها اعمال نمودند و علاوه بر آن این الزامات همچنان در حال به روزرسانی، تغییر و بهبود هستند. در چنین شرایطی، آنچه در قالب افشای ریسک در ایران اتفاق می‌افتد عموماً جنبه رعایت سطحی برخی از بخشنامه‌ها را داشته و امکان عرضه آن در سطح ملی و بین‌المللی به‌عنوان یک کالای بااهمیت اطلاعاتی را ندارد.

علاوه بر این، بررسی الزامات قانونی افشای ریسک در بانک‌ها نشان می‌دهد که کشورهای توسعه‌یافته مقررات دقیقی برای افشای ریسک و تفاوت‌های قانونی آن دارند و به‌تبع افشا کمی و کیفی مناسبی در این حوزه در مقایسه با کشورهای درحال‌توسعه وجود دارد؛ اما با وجود این گزارش انجمن حسابداران انگلستان و ولز در سال ۲۰۱۱ تحت عنوان «گزارشگری ریسک کسب‌وکار: برآورده شدن انتظارات»، نشان می‌دهد که افشای ریسک با موانعی همراه است و ضرورت دارد برای رفع این موانع اقداماتی انجام شود. همچنین، نتایج ادبیات پژوهشی مختلف در این حوزه، وجود موانع در افشای مطلوب ریسک را تأیید می‌کنند (لینسی و شریوا[1]، (۲۰۰۶)، مارشال و ویتمن[2] (۲۰۰۷)، پاپا و پیتر[3] (۲۰۱۱) و کراوات و موسلو[4] (۲۰۱۱))، اما تحقیقات اندکی به بررسی و شناسایی این موانع، پرداخته‌اند. این مسئله، انگیزه انجام تحقیقات بیشتر در این حوزه بخصوص در ایران را فراهم می‌کند؛ زیرا تحقیقات انجام شده قبلی در کشورهای توسعه‌یافته انجام شده و نتایج آن‌ها متأثر از محیط کسب‌وکار، مقررات و قوانین، شرایط حاکم بر بازارهای مالی این کشورها و ... است. همچنین، تاکنون با تأکید بر شناسایی موانع و چالش‌های افشای ریسک پژوهش مستقلی در ایران انجام نشده است؛ بنابراین، با تأکید بر آنچه گفته شد، این سؤال مطرح است که موانع افشای ریسک بانک‌ها در ایران، چیست؟ برای پاسخ به این سؤال، در این پژوهش با تأکید بر رویکرد کیفی و با استفاده از روش نظریه زمینه بنیاد، موانع افشای ریسک بانک‌ها در ایران بررسی شده است.

1. Linsley and Shrives
2. Marshall and Weetman
3. Papa and Peters
4. Kravet and Muslu

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-07]

[DOI: 10.61186/qjfep.11.43.31]

بر این اساس، در بخش بعدی مبانی نظری پژوهش ارائه شده است. سپس، روش شناسی پژوهش با تأکید بر استفاده از رویکرد کیفی و روش نظریه بنیاد ارائه شده است. درنهایت، با ارائه نمودارها و جداول مختلف به تفسیر و تحلیل نتایج پژوهش پرداخته شده است و در پایان در بخش نتیجه‌گیری، خلاصه‌ای از نتایج اصلی پژوهش ارائه شده است.

۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

به‌منظور کسب دانش اولیه در ارتباط با موضوع مقاله (موانع افشای ریسک)، ادبیات پژوهشی مرتبط با افشای ریسک و موانع احتمالی که در این پژوهش‌ها به‌طور جسته‌گریخته، به مسئله فقدان افشای ریسک اشاره کرده‌اند، توسط محقق بررسی شده است.

یکی از دلایل عدم افشای مطلوب ریسک، عدم قابلیت اتکا به اطلاعات افشاشده ناشی از شکاف بین تهیه‌کننده و استفاده‌کننده اطلاعات است. کامیلری[1] (۲۰۱۸) و جکسون و همکاران[2] (۲۰۲۰) بیان می‌کنند که نهاد ناظر با هدف کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین تهیه‌کننده و استفاده‌کننده از اطلاعات و اثر آن بر انتشار اطلاعات، بر افشا و شفافیت بیشتر در بازار تأکید دارد. بر این اساس، الزامات و مقررات اجباری با هدف افشا اطلاعات در بازار تنظیم شده است، اما شواهد (کمیسیون اروپا، ۲۰۱۹) نشان می‌دهد که مقررات برای افشا جامع ریسک، کافی نیستند. مازوتا و همکاران[3] (۲۰۲۰) و گارو و همکاران[4] (۲۰۱۹) بیان می‌کنند که افشای اجباری ریسک، بین استفاده‌کننده و تهیه‌کننده اطلاعات تعادل برقرار می‌کند که بر این تعادل میزان مناسب بودن اطلاعات افشاشده و توانایی درک استفاده‌کننده از اطلاعات مؤثر است. در صورتی که استفاده‌کننده از آگاهی و درک خوبی از اطلاعات افشاشده برخوردار نباشد، تهیه‌کننده اطلاعات با گذشت زمان نسبت به این مسئله اشراف یافته و دلیلی برای انتشار اطلاعات پیچیده و بیشتر ندارد

1. Camilleri
2. Jackson et al.
3. Mazzotta et al.
4. Garrow et al.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-07]

[DOI: 10.61186/qjfep.11.43.31]

(بخصوص آنکه انتشار اطلاعات هزینه‌بر است) و این مسئله می‌تواند تبدیل به یکی از موانع انتشار اطلاعات ریسک شود. ژیا و همکاران[1] (۲۰۱۶) بیان می‌کنند که مقررات بانکی بر برقراری تعادل بین کفایت افشای ریسک و تأمین نیاز استفاده‌کننده از اطلاعات، مؤثر است. به عبارتی، در چنین شرایطی قوانین و مقررات به کمک استفاده‌کننده آمده و با الزام به افشای ریسک، محدودیت انتشار اطلاعات ریسک از طرف تهیه‌کننده اطلاعات را پوشش داده است (مثل اتفاقی که در ایران در سال ۱۳۹۵ افتاد و تغییر صورت‌های مالی منجر به افشای اجباری محدود و کنترل شده ریسک شد که تا قبل از آن سابقه‌ای نداشته است)؛ بنابراین، قوانین و مقررات در افشای جامع و مطلوب ریسک مؤثر است، اما از سوی دیگر، نقصان مقررات و ناکافی بودن آن‌ها بخصوص در بخش اجرا، نیز می‌تواند به‌عنوان چالشی در افشای مطلوب ریسک شرکت‌ها محسوب شود.

به باور ولتری و همکاران[2] (۲۰۲۰) افشای ریسک یکی از ابزارهای سودمند برای سرمایه‌گذاران در تصمیم‌گیری است و اثر آن در هزینه سرمایه شرکت‌ها نمایان است. در همین ارتباط، بائو و همکاران[3] (۲۰۱۹) بیان می‌کنند که بین افشای ریسک نامطلوب در بازار و واکنش سهامداران ارتباط وجود دارد و افشای نامطلوب ریسک موجب افزایش هزینه‌های مالی شرکت‌ها می‌شود. همچنین، وریچیا و کلینچ[4] (۲۰۱۵) اثر مثبت افشای ریسک بر کاهش هزینه‌های مالی و شونفیلد[5] (۲۰۱۷) اثر مثبت افشای ریسک بر افزایش قیمت سهام شرکت‌ها را نشان داده‌اند و با توجه به آنکه افشای ریسک به موجب مقررات بین‌المللی در این حوزه افشای اجباری است؛ بنابراین مدیران بانک‌ها به افشای مطلوب ریسک با هدف جذب رضایتمندی سهامداران خود تمایل دارند، هرچند که در خصوص سطوح افشا اثربخش در بازار، مدیریت خود را اعمال می‌کنند (هوفینگر[6]، ۲۰۲۱). هوفینگر (۲۰۲۱) بیان می‌کند که بانک‌ها برای افشا روش‌های متنوعی

1. Jia et al.
2. Veltri et al.
3. Bao et al.
4. Clinch & Verrecchia
5. Schoenfeld
6. Hofinger

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-07]

[DOI: 10.61186/qjfep.11.43.31]

را به کار می‌برند. در حالی که افشا برخی از بانک‌ها، بسیار محدود و پوشش حداقل‌های اجباری افشای ریسک است، برخی دیگر افشا جامعی از ریسک و چشم اندازهای آتی آن ارائه می‌دهند. به عبارتی، تحت الزامات اجباری افشا، مدیران بانک در خصوص کمیت و محتوای افشای ریسک تصمیم می‌گیرند، اما در خصوص میزان مؤثر بودن اطلاعات افشاشده، استفاده‌کننده از اطلاعات و فرآیند تصمیم‌گیری آن‌ها، قضاوت خواهد کرد. به عبارتی، افشای ریسک می‌تواند کامل نباشد و با غلط همراه باشد و یا آنکه شرکت به اطلاعات مهم ریسک خود اشاره‌ای نکند و یا آنکه با کنترل زیاد، اقدام به افشای ریسک نماید که تمام این موارد را می‌توان به‌عنوان موانع جدی در افشای مطلوب ریسک شمرد، زیرا ممکن است شرکت‌ها بابت افشای ریسک تحت یکی از حالت‌های اشاره‌شده، توبیخ شده و اعتبار خود را در بازار بابت عدم افشای مناسب، مرتبط و کافی از دست دهند. از سوی دیگر، اگر اثر مثبت و مطلوب افشای ریسک توسط استفاده‌کننده از اطلاعات دیده نشود، مدیران شرکت‌ها ترغیب می‌شوند تا حداقل الزامات انطباق با مقررات را در گزارش ریسک افشا نمایند و انگیزه‌ای برای افشا بیشتر ندارند، زیرا آن‌ها متقاعد نشده‌اند که افشای خارجی ریسک می‌تواند نحوه مدیریت مطلوب ریسک توسط آن‌ها را در بازار به‌درستی انعکاس دهد (اسکات[1]، ۲۰۱۰).

همچنین، افشای ریسک عملکرد گذشته نمی‌تواند رهنمود قابل اتکایی برای آینده باشد؛ به عبارتی، اطلاعات ریسک گذشته‌نگر هستند و در این ارتباط لئوپیزی و همکاران[2] (۲۰۲۰) بیان می‌کند که اطلاعات افشاشده ریسک در شرکت‌های ایتالیایی ۹۶ درصد مربوط به گذشته و حال و تنها چهار درصد از اطلاعات به شرایط آتی پرداخته است، زیرا افشا اطلاعات آینده می‌تواند برای شرکت هزینه‌هایی را ایجاد کند که این هزینه‌ها بر تصمیمات مرتبط با انتشار اطلاعات اثر دارد. به عبارتی، افشای ریسک می‌تواند هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم اضافه‌ای را به شرکت افشاکننده اضافه نماید که این هزینه در توازن با منافع حاصل، ممکن است بیشتر باشد و چالشی در افشای

1. Mike Scott
2. Leopizzi et al.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-07]

[DOI: 10.61186/qjfep.11.43.31]

مطلوب ریسک باشد. مهم‌ترین هزینه افشا، هزینه افزایش رقابت یا افشای اطلاعات حساس در شرایط رقابتی حاضر است که توان اثرگذاری بر سودآوری شرکت را دارد (ورچیا[1]، ۲۰۰۱). تکنیک‌های مدیریت ریسک و درک و آگاهی نسبت به ریسک مزیت رقابتی شرکت‌ها است. برای مثال دو شرکت با دیدگاه و درک متفاوت از ریسک را در پروژه‌های مشخص تصویر کنید؛ یک شرکت برای یک پروژه مشخص، ریسک را بالا و شرکت دیگر ریسک را پایین ارزیابی می‌کند. شرکتی که ارزیابی دقیق‌تر و بهتری از ریسک دارد، بالقوه مزیت اطلاعاتی در مقایسه با شرکت دیگر دارد که همین مسئله در رقابت و کاهش خسارت‌های ناشی از ارزیابی اشتباه ریسک برای آن شرکت اثر دارد. علاوه بر آن، اگر شرکتی ارزیابی خود از ریسک پروژه را پایین برآورد کرده باشد و آن را افشا نماید، ممکن است سایر رقبا را ترغیب نماید که در پروژه وارد شوند و درنتیجه، حالت انحصاری پروژه از دست رود و هزینه‌های رقابت بر شرکت تحمیل شود؛ بنابراین، برای کاهش هزینه‌ها، شرکت‌ها اقدام به افشای ریسک به شکل مبهم، گنگ و غیراطلاع‌دهنده می‌نمایند. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود که برای کاهش افشای مبهم و غیراطلاع‌دهنده، افشای داوطلبانه باشد، اما تحت سیاست افشای داوطلبانه همه شرکت‌ها به دلیل هزینه‌های افشا تمایل و اجباری برای افشا ندارند (آبراهام و شریوا[2]، ۲۰۱۴).

نکته دیگر در افشای ریسک آن است که افشا حول محور دسترسی به اطلاعات یا داده‌های با کیفیت قرار دارد، اما معمولاً اطلاعات ریسک شرکت‌ها بخصوص در کشورهای درحال‌توسعه به طور دستی و معمولاً برای مصرف و گزارشگری داخلی تولید می‌شوند و قابلیت انتشار عمومی را ندارند و حسابرسی نیز نمی‌شوند؛ بنابراین، این اطلاعات کیفیت لازم و قابلیت اتکا برای انتشار عمومی را ندارند (کادیو و مارس[3]،۲۰۱۲). به عبارتی، دقت اندازه‌گیری و مدیریت اطلاعات، به‌عنوان مانع دیگر در بحث افشای ریسک، مورد بحث است. در گزارشی که فدرال رزرو در سال

1. Verrecchia
2. Abraham & Shrives
3. Cadiou and Mars

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-07]

[DOI: 10.61186/qjfep.11.43.31]

۲۰۱۳ منتشر نموده بیان شده که فقدان اطلاعات کافی ظرفیت‌های عملیاتی، یکی از دلایل عدم افشا یا تولید اطلاعات قابل اتکا در زمان مناسب یا به‌موقع است و با رشد الزامات مقرراتی، پیچیدگی‌های افشا نیز افزایش یافته است و ضرورت‌های را برای بازبینی فرایندها، سیستم‌ها، راهبری و نحوه جمع‌آوری داده‌های لازم جهت گزارشگری به‌موقع و قابل اتکا ایجاد نموده است.

درنهایت، معمولاً سرمایه‌گذاران علاقه‌مند هستند عوامل کلیدی ریسک که اثر مستقیمی بر انتظار آن‌ها از بازدهی دارد و معمولاً توسط شرکت‌ها افشا نمی‌شود را بدانند (میکینین[1] (۲۰۱۳) و مختار و ملت[2] (۲۰۱۳)). در بسیاری از زمان‌ها ریسک اصلی درنتیجه ضعف تصمیمات مدیریتی است که تجمیع آن می‌تواند باعث ایجاد بحران در بانک شود و معمولاً این نوع ریسک، توسط بانک افشا نمی‌شود. به عبارتی، یکی از چالش‌های بااهمیت در ارتباط با افشای ریسک انتظارات بالا از گزارش ریسک است. این انتظار قانونی است، اما درنهایت ممکن است منجر به ناامیدی سرمایه‌گذاران از گزارش افشای ریسک شود که خود این مسئله می‌تواند مانع دیگری (مدیران، برای کنترل اثرات نامطلوب افشای ریسک بر انتظارات سهامداران، افشا خودداری می‌نمایند)، برای افشای ریسک مطلوب و جامع محسوب گردد (میشل لویز[3]، ۲۰۱۱).

درنهایت در این ارتباط، در پژوهش‌های داخلی با بررسی کلیدواژه افشای ریسک عموماً با تحقیقات کمی و یا مدل‌سازی برای ارائه چارچوب افشای ریسک در شرکت‌های غیرمالی مواجه هستیم. نمونه این تحقیقات، نمازی و ابراهیمی میمند (۱۴۰۰) با عنوان «افشا و گزارشگری ریسک شرکت‌ها: ارائه چارچوب جامع»، رحمانی و همکاران (۱۴۰۰) با عنوان «بررسی پیامدهای مالی افشای ریسک در بازار سرمایه ایران: مطالعه موردی بانک‌های عضو بورس اوراق بهادار تهران»، خوش‌خلق و طالب‌نیا (۱۳۹۹) با عنوان «تبیین اثر مفاهیم گزارشگری مالی بر سطح افشای ریسک در گزارشگری مالی سالانه در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران»، رحمانی و

1. Miihkinen
2. Mokhtar and Mellett
3. Michael Lewis

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-07]

[DOI: 10.61186/qjfep.11.43.31]

همکاران (۱۳۹۸) با عنوان «مقررات و استانداردهای داخلی و بین‌المللی افشای ریسک در بانک‌ها»، طاهری و همکاران (۱۳۹۸) با عنوان «ارتباط ارزشی افشا و گزارشگری ریسک در بانک‌های عضو بورس اوراق بهادار تهران»، نمازی و ابراهیمی میمند (۱۳۹۵) با عنوان «بررسی چگونگی افشای ریسک در گزارش سالانه شرکت‌ها و عوامل مؤثر بر آن» و البته تحقیقات بسیاری که اثر افشای ریسک در بازار سرمایه ایران را با کارایی سرمایه‌گذاری، قیمت و بازدهی، نوسان جریانات نقدی، عدم تقارن اطلاعاتی، ریسک سیستماتیک و ... بررسی نموده‌اند و از مسئله پژوهش ما دور هستند. ریسک و افشای آن برای بانک‌ها که مبتنی بر ریسک فعالیت می‌کنند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و البته برای افشای ریسک الزامات اجباری از سوی بانک مرکزی به‌عنوان نهاد ناظر بر بانک‌ها در ایران حاکم است که در تحقیقات داخلی کمتر مورد توجه واقع شده است.

اهمیت این پژوهش و وجه تمایز این پژوهش با پژوهش‌های انجام شده در ایران از دو منظر است. اولاً بین افشای ریسک در شرکت‌های مالی و غیرمالی تفاوت وجود دارد و افشای ریسک شرکت‌های مالی همچون بانک‌ها، افشای اختیاری نیست، بلکه به واسطه قوانین و مقررات نهاد ناظر (بانک مرکزی) افشای اجباری است که بررسی چالش‌ها و موانع فقدان افشای مطلوب توسط بانک‌ها در بازار مالی ایران، قابل توجه است؛ بخصوص آنکه بررسی افشای ریسک در شبکه بانکی ایران نشان می‌دهد، این افشا با کاستی‌های جدی رو به رو است. در همین راستا رحمانی و همکاران (۱۳۹۸) بیان می‌کنند که در سال ۱۳۹۵ از ۳۶ قلم افشای اجباری در شبکه بانکی ایران، تنها سه بانک خاورمیانه، کارآفرین و اقتصاد نوین به ترتیب با افشا ۳۰، ۲۸ و ۲۷ قلم افشای مطلوبی داشته‌اند. دوما، تحقیقات مرتبط با افشای ریسک در شبکه بانکی ایران، عموماً کمی بوده و با شاخص‌سازی سعی در تحلیل میزان افشا بر شاخص‌های بازار سرمایه را داشته و تاکنون پژوهشی که به پشت‌صحنه مسئله بپردازد و موانع در افشای مطلوب ریسک را بررسی کند، پرداخته نشده است. به عبارتی، در پژوهش‌های کمی به‌واسطه مقررات اجباری در افشای ریسک بانک‌ها، تعداد اقلام افشا شمرده و شاخص‌سازی شده و اثر آن بر شاخص‌های بازار سرمایه بررسی شده است، اما

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-07]

[DOI: 10.61186/qjfep.11.43.31]

تاکنون به این سؤال پاسخ داده نشده است که چرا تمام ۳۶ قلم افشا اجباری در بانک‌ها افشا نشده است (بهترین بانک از منظر افشا ۳۰ قلم از ۳۶ قلم را افشا کرده است)؟ مگر نه اینکه، این افشا مبتنی بر مقررات الزامی و اجباری است و انتظار می‌رود تمام ۳۶ قلم الزامی افشا شود، پس چه موانعی برای فقدان افشا این اقلام وجود دارد؟ برای پاسخ به این سؤالات، در این پژوهش نگاه و تحلیل خبرگان ناظر بر افشای ریسک در شبکه بانکی ایران (بانک مرکزی، سازمان بورس و اوراق بهدار و سازمان حسابرسی) و تهیه‌کنندگان اطلاعات افشای ریسک (مدیران ریسک بانک‌ها)، از موانع موجود در افشای مطلوب ریسک در شبکه بانکی ایران، بررسی شده است؛ بلکه بتوان در رفع این موانع اقدامات لازم را به عمل آورد و بتوان از نتایج این پژوهش در راستای مقررات گذاری مطلوب‌تر که نتیجه آن شفافیت بیشتر در بازار باشد، استفاده نمود.

بنابراین با توجه به آنچه در این بخش ارائه و بررسی شد، سؤال این پژوهش این است که موانع افشای ریسک بانک‌ها در ایران چیست؟ و یا چه عواملی بر عدم افشای مطلوب ریسک در بانک‌ها اثرگذار است؟

۳. روش‌شناسی پژوهش

سؤال این مقاله به این شرح است: موانع افشای ریسک در بانک‌های ایران چیست؟ و چه عواملی بر فقدان افشای مطلوب ریسک در بانک‌ها اثرگذار است؟

برای تبیین دقیق پاسخ سؤال ما عوامل و موانع جدی افشای ریسک را در ادبیات پژوهشی مرتبط جمع‌آوری نمودیم و سپس با تأکید بر رویکرد کیفی و با استفاده از روش نظریه داده بنیاد و مصاحبه عمیق با خبرگان به شناسایی و تدوین موانع افشای ریسک در صنعت بانکداری پرداخته شده است.

در دهه‌های اخیر رویکرد کیفی برای انجام تحقیقات با هدف نظریه‌پردازی مطرح شده است. در این رویکرد، پژوهش روشی برای ایجاد، مدل‌سازی، اصلاح و تقویت نظریه است. یکی از روش‌های شناخته‌شده با رویکرد کیفی در انجام تحقیقات، نظریه زمینه بنیاد است. نظریه زمینه‌ای، روش پژوهشی عام، استقرایی و تفسیری است. این نظریه برخاسته از داده‌ها و روش پژوهشی

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-07]

[DOI: 10.61186/qjfep.11.43.31]

استقرایی و اکتشافی است که به پژوهشگر در حوزه‌های گوناگون امکان می‌دهد تا به جای اتکا بر نظریه‌های موجود و از پیش تدوین شده، خود به تدوین نظریه‌ها و گزاره‌ها اقدام نماید که به شکلی نظام‌مند و بر اساس داده‌های توصیفی واقعی تدوین می‌شوند. هدف تحلیل نظریه زمینه بنیان گسترش نظریه استقرایی است که از داده‌ها منتج شده است، یا به عبارتی ساخت نظریه‌ای که پیوند مستحکمی با داده‌ها دارد. در این روش داده‌ها بستر و زمینه ساخت نظریه جدید می‌باشند و بر این اساس مشاهده منظم داده‌ها و تبیین نظریه مبتنی بر داده‌هایی که به روش استقرایی تحلیل و تفسیر شده‌اند، انجام می‌شود. این نظریه یکی از روش‌های پژوهش کیفی است که به ایجاد نظریه از داده‌ها اشاره دارد و با موقعیت پژوهشی ویژه آغاز و پژوهشگر با نقش فعال خود در شکل‌گیری و نتیجه‌گیری پژوهش مداخله می‌کند. هسته اصلی این فرآیند مقایسه هم‌زمانی است که در آن صورت می‌پذیرد. به عبارتی در هنگام پژوهش و با توجه به ابزارهایی نظیر مصاحبه و مشاهده و مانند آن داده‌ها به‌طور مستمر در ذهن پژوهشگر و یا از طریق کدگذاری، تحلیل و بازتحلیل می‌شوند تا آنجا که داده‌ها با نظریه مورد نظر همگونی پیدا نمایند (دیک ۲۰۰۵). در پیاده‌سازی و اجرای نظریه زمینه بنیان پنج گام برداشته خواهد شد که عبارتند از:

- تدوین پرسش‌های پژوهش؛
- گردآوری داده‌ها و اطلاعات تا جایی که به اشباع اطلاعاتی برسیم؛
- کدگذاری داده‌ها تحت ۳ مرحل؛
  - کدگذاری آزاد یا باز؛
  - کدگذاری محوری؛
  - کدگذاری انتخابی یا گزینشی؛
- یادداشت‌برداری؛
- نگارش و تدوین نظریه، چارچوب یا الگو پیشنهادی.

نظریه زمینه بنیاد دارای سه عنصر اصلی شامل مفاهیم، مقوله‌ها و گزاره‌ها است. مفاهیم واحدهای اصلی تحلیل هستند؛ زیرا توسعه نظریه، محصول گردآوری‌شده نیست، بلکه دست یافتن

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-07]

[DOI: 10.61186/qjfep.11.43.31]

به نظریه، نتیجه مفهوم‌سازی از داده‌ها است. مقوله‌ها عنصر دوم تشکیل‌دهنده نظریه زمینه بنیاد هستند که به باور کوربین و اشتراوس مقولات در مقایسه با مفاهیمی که بیانگر آن‌ها هستند، سطح بالاتر و انتزاعی‌تری دارند. شناخت مقوله‌ها نیز از طریق فرآیند تحلیلی مقایسه برای نشان دادن همانندی و تفاوت‌ها صورت می‌گیرد. گزاره‌ها سومین عنصر هستند که نشان‌دهنده روابط تعمیم‌یافته میان یک مقوله و مفاهیم آن و همچنین روابط میان مقولات ناپیوسته هستند. گلیزر و اشتراوس گزاره‌ها را نوعی فرضیه دانسته‌اند که دربرگیرنده روابط مفهومی هستند (ذکایی، ۱۳۸۱). در این نظریه کدگذاری نقش مهمی در عملیات و انجام این شیوه پژوهش دارد. کدگذاری فرآیندی برای اندازه‌گیری، تکرار و یا طبقه‌بندی داده‌ها در بخش‌های مختلف است (اشتراوس و کوربین، ۱۹۹۰) که در این روش سه نوع کدگذاری شامل کدگذاری آزاد یا باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی یا گزینشی مطرح است.

۳-۱. کدگذاری آزاد یا باز

این نوع کدگذاری بعد از خواندن مکرر و دقیق داده‌های جمع‌آوری‌شده انجام می‌شود و واحدهای معنی‌دار معرفی، توضیح و نام‌گذاری می‌شود. به عبارتی در این روش واحدهای معنی‌دار حاصل جمع‌آوری داده‌ها طبقه‌بندی می‌گردند و تحت عنوان مقوله شناسایی می‌شوند. در این روش به فراخور جمع‌آوری داده‌ها واحدهای معنی‌دار جدید در هر نسخه نوشتاری و متنی کدگذاری می‌شود. این کدگذاری منجر به ایجاد مقوله و زیرمقوله‌های زیادی می‌گردد که از واحدهای همگن و معنی‌دار انباشت می‌شوند. این مرحله تا آنجا ادامه پیدا می‌کند که به انباشت اطلاعاتی در هر مقوله و زیرمقوله برسیم. به‌گونه‌ای که جمع‌آوری داده جدید، تحلیل و کدگذاری آن فرآیندی تکراری گردد و امکان اضافه نمودن واحد معنی‌دار یا مقوله جدیدی نباشد. در زمان اشباع، جمع‌آوری داده و کدگذاری متوقف می‌شود و پس از آن امکان مقایسه مقوله قبلی با جدید و درک شباهات و تفاوت‌ها فراهم می‌گردد. در این فرآیند کدگذاری نیاز به بازنگری مقوله‌ها برای نام‌گذاری دوباره، ادغام و تفکیک داده‌ها از یکدیگر دارد که به آن مقایسه مداوم گفته می‌شود. این بازنگری عملیات نرمش بین داده‌ها و مفهوم‌سازی نام‌گذاری شده است.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-07]

[DOI: 10.61186/qjfep.11.43.31]

به عبارتی مراحل کدگذاری باز شامل طرح پرسش‌های فراوان، خرد کردن و مفهوم‌پردازی، جمع کردن و مقوله‌پردازی و درنهایت توسعه مقولات و مقایسه مداوم آن‌ها است تا بتوان ارتباط بین مفاهیم، مقولات و شاخص‌ها را شناسایی نمود.

۳-۲. کدگذاری محوری

کدگذاری عملیات ثانویه در تحلیل نظریه‌پردازی زمینه بنیاد است که در آن مقولات اصلی حاصل کدگذاری بازداده‌ها تکوین یافته و با یکدیگر مرتبط می‌شوند. اگر در کدگذاری بازداده‌ها را تفکیک نماییم یا به منظور نشان دادن داده‌ها و مقوله‌های نظری داده‌ها را باز کنیم، کدگذاری محوری مجدداً مقوله‌های قبلی را با روش مفهومی متفاوتی در کنار هم قرار می‌دهد. از ویژگی‌ها کدگذاری محوری تنظیم مدل مبتنی بر مدل پارادایمی و تبیین سلسله روابط بین زیرمقوله‌ها و مقولات اصلی است که نمودار ۱ اجرای روش نظریه بنیاد و ارتباط کدگذاری باز و محوری و پیاده‌سازی مدل پارادایمی در آن را نشان می‌دهد.

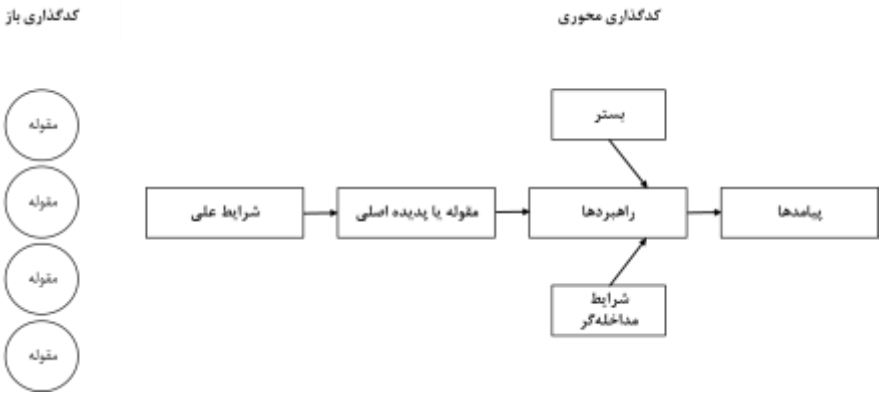

نمودار ۱. نظریه بنیاد و ارتباط کدگذاری باز و محوری در آن (منبع: کریسول (۲۰۰۵))

بنابراین در کدگذاری محوری بین مقوله‌های اساسی به‌دست‌آمده از کدگذاری باز، ارتباطات درونی برقرار می‌شود. در این مدل مقوله اصلی یا محوری پدیده اصلی مورد مطالعه است. در این پژوهش مقوله اصلی چالش‌های افشای ریسک بانک‌های تجاری است. شرایط علی مقوله یا

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-07]
[DOI: 10.61186/qjfep.11.43.31]

شرایطی هستند که مقوله اصلی را تحت تأثیر قرار داده و به وقوع یا گسترش پدیده مورد نظر می‌انجامند. بستر یا زمینه مجموع مشخصه های ویژه‌ای هستند که به پدیده مورد نظر دلالت می‌کنند. به عبارتی محل رخداد پدیده را مورد تأکید قرار می‌دهد. بستر از مجموعه شرایط خاصی تشکیل شده که در آن کنش و واکنش رخ می‌دهد. شرایط مداخله گر شرایط ساختاری که به پدیده تعلق داشته و برکنش و واکنش آن اثر می‌گذارد، به‌گونه‌ای که کنش و واکنش را سهولت بخشیده یا محدود می‌نماید. راهبردها مبتنی برکنش و واکنش‌هایی برای کنترل، اداره و برخورد با پدیده اصلی هستند. راهبردها هدف داشته و با دلیل مشخصی صورت می‌گیرند. البته شرایط مداخله گری نیز وجود دارد که رخداد راهبرد را آسان یا محدود نماید. پیامدها نتایجی که در اثر راهبردها پدیدار می‌شود را پیامد می‌گویند. پیامدها نتیجه کنش و واکنش هستند (بازرگان، ١٣٨٧).

٣-٣. کدگذاری انتخابی یا گزینشی

کدگذاری انتخابی با هدف یکپارچه‌سازی و در کنار هم قرار دادن مفروضات و گزاره‌های به‌دست‌آمده و تحلیل تکوینی است. به عبارتی این نوع کدگذاری عبارت است از روند انتخاب مقوله هسته به‌طور منظم و ارتباط دادن آن با سایر مقوله‌ها و اعتباربخشیدن به روابط و تکمیل فضای خالی با مقوله‌هایی که نیاز به اصلاح و گسترش دارند. در این مرحله، پس از بررسی کیفیت داده‌ها از جنبه‌های گوناگون و تعیین ارتباط میان مقوله‌ها در سطوح گوناگون و مسیریابی شرطی، مرحله کدگذاری محوری به پایان می‌رسد تا در گام نهایی تحلیل، کدگذاری گزینشی و خلق نظریه و مدل نهایی انجام می‌شود. کدگذاری انتخابی شامل انتخاب مقوله هسته‌ای به‌طور نظام‌مند و در ارتباط با دیگر مقوله ها و بررسی مقولاتی است که نیازمند به تعریف و توسعه مجدد هستند. در این مرحله شکل‌گیری و پیوند هر دسته‌بندی با سایر گروه‌ها تشریح می‌شود و یک مفهوم به پدیده

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-07]

[DOI: 10.61186/qjfep.11.43.31]

اصلی داستان نسبت داده شده و به سایر مقولات مرتبط می‌شود (کریسول[1]، ۲۰۰۵). پیاده‌سازی روش نظریه بنیاد تحت نمودار ۲ ارائه شده است.

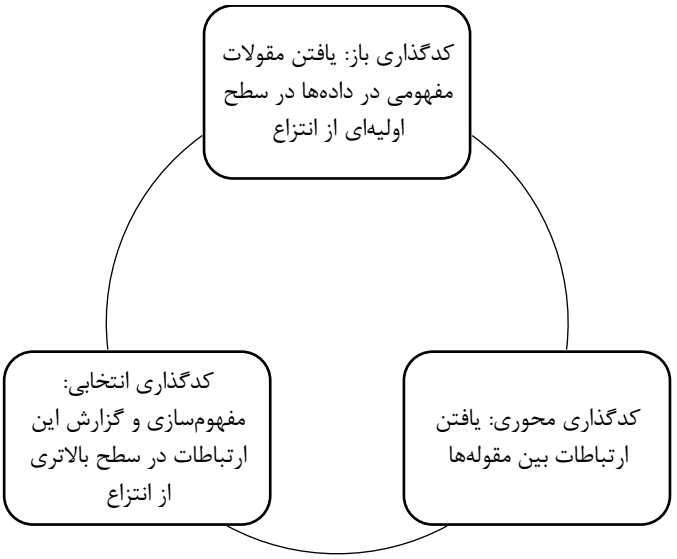

نمودار ۲: مراحل اجرایی روش نظریه بنیاد مبتنی بر اعمال کدها

روش گردآوری داده‌ها در این پژوهش مبتنی بر مصاحبه و اسناد است. برای جمع‌آوری داده‌ها و ایجاد بستر یا زمینه تحقیق از روش اسناد و برای تأیید و تجزیه و تحلیل و جمع‌آوری داده‌های بیشتر برای تحلیل از روش مصاحبه استفاده شده است. به عبارتی مصاحبه عمیق، تکیه‌گاه اصلی نظریه زمینه بنیاد است و مصاحبه‌ای که در آن آزمودنی برای هدایت جریان گفت‌وگو آزادی بیشتری دارد (مصاحبه ساختارنیافته)، مورد توجه این پژوهش بوده است.

٤. جامعه و نمونه آماری

در نظریه زمینه بنیان نمونه هدفمند انتخاب می‌شود. نمونه هدفمند بر اساس معیارهای مشخص انتخاب می‌شود که بتواند مسئله تحقیق را پوشش دهد (اسپرینگر، ۲۰۱۰). در طی فرآیند تحلیل و

1. Creswell

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-07]

[DOI: 10.61186/qjfep.11.43.31]

آزمودن نظریه، فرآیندی تحت عنوان نمونه‌گیری نظری استفاده خواهد شد. در این نمونه‌گیری موارد منفی ساختارهای در حال تکوین برای به چالش کشیدن و تبیین نظریه جدید استفاده می‌شود. در این روش جمع‌آوری داده‌ها با هدف خلق نظریه است و در هر گام معیارهای جدیدی برای جمع‌آوری داده‌ها تعیین و مبتنی بر آن داده‌ها جمع‌آوری می‌شود. به عبارتی تحلیل داده‌های قبل در تعیین و روش جمع‌آوری داده‌های جدید اثرگذار است و این اتفاق تا آنجا ادامه پیدا می‌کند که به اشباع اطلاعاتی برسیم؛ بنابراین روش نمونه‌گیری روش نظری است که از یک الگوی در حال تکوین پیروی می‌کند. نمونه‌گیری نظری از ویژگی‌های اساسی بکرگیری نظریه زمینه‌بنیان است (پاین، ٢٠٠٧). این روش مشابه نمودار (٣) است.

نمودار ٣: نمونه‌گیری نظری در نظریه زمینه بنیان

در رویکرد سنتی پژوهش، جمع‌آوری داده‌ها به‌عنوان یک مرحله مجزا در پژوهش است که قبل از تحلیل داده‌ها تکمیل می‌شود، اما در نظریه زمینه بنیان الگوی جمع‌آوری داده‌ها متفاوت است. در این الگو برخی از سؤالات اساسی پژوهش نحوه جمع‌آوری داده‌ها را هدایت می‌کند و این رخداد تا آنجا تکرار می‌شود که به مرحله انباشت اطلاعاتی برسیم. در این روش محقق مجموعه‌ای از داده‌ها را که ترجیحاً کوچک است جمع‌آوری می‌نماید. پس از تکمیل هر مرحله، تحلیل اولیه آغاز می‌شود که نتیجه آن تعیین معیارها و راهنمایی برای مرحله بعد است. به عبارتی داده‌های مرحله اول جمع‌آوری و تحلیل و الگویی در اختیار جمع‌آوری داده‌ها و تحلیل در مرحله دوم می‌دهد. هر مرحله به وسیله جهت‌یابی در حال تکوین از تحلیل اولیه هدایت می‌شود. این روش تحت نظریه نمونه‌گیری انجام می‌شود. در این اصل عقیده جمع‌آوری داده‌های اساسی توسط توسعه و تکوین نظری که در تحلیل شناخته می‌شود، هدایت می‌شود و تا زمانی که نظریه پدیدار می‌گردد، محقق به داده‌ها بازمی‌گردد و شرکت کننده جدیدی را برای آزمون آن نظریه انتخاب می‌کند تا اشباع نظری ایجاد گردد (پانچ (٢٠٠٩)، گوین (٢٠٠٨) و پاین (٢٠٠٧)). بر این

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-07]
[DOI: 10.61186/qjfep.11.43.31]

اساس، جامعه آماری این پژوهش متشکل از فعالان و خبرگان بازار سرمایه، بانکی، بانک مرکزی و حسابرسان مستقل بانک‌ها، است. برای انتخاب نمونه آماری الف) در مرحله اول چند صاحب‌نظر به تشخیص پژوهشگر و بر اساس تخصصشان در زمینه موضوع پژوهش، مورد مصاحبه اکتشافی واقع شدند. ب) برای مصاحبه‌های اصلی، نمونه شامل افرادی از جامعه آماری است که بر اساس روش گلوله‌برفی توسط مصاحبه‌شوندگان قبلی به پژوهشگر معرفی شده بودند، زیرا در روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی مصاحبه‌کننده به پیشنهاد مصاحبه‌شوندگان، برای مصاحبه به سراغ افراد دیگر می‌رود. قاعده کلی در پژوهش‌های کیفی این است که به گردآوری داده‌ها تا زمانی که مقوله‌ها اشباع شوند، ادامه داد. اشباع نظری یعنی تا زمانی که داده جدیدی به دست نیاید و مناسبات میان مقوله‌ها به‌خوبی مشخص شده باشد (افشار، ۱۳۹۲). در این پژوهش و بر اساس اشباع نظری مجموعاً برابر با ۱۵ مصاحبه عمیق (۴ نفر خبره بازار سرمایه، ۶ نفر خبره بانکی و بانک مرکزی، ۴ نفر خبره حسابرسی بانکی)، انجام شد. جدول ۱ خلاصه‌ای از وضعیت مصاحبه‌شوندگان را ارائه می‌دهد.

جدول ۱: جزئیات مصاحبه‌شوندگان به تفکیک خبرگان

ردیف	خبرگان	تحصیلات	سابقه کار
۱	خبره بازار سرمایه	دکتری	۲۵ سال
۲	خبره بازار سرمایه	دکتری	۲۰
۳	خبره بازار سرمایه	دکتری	۱۰
۴	خبره بازار سرمایه	دکتری	۵
۵	خبره بانک و بانک مرکزی	کارشناسی ارشد	۱۳
۶	خبره بانک و بانک مرکزی	دکتری	۱۰
۷	خبره بانک و بانک مرکزی	دکتری	۱۳
۸	خبره بانک و بانک مرکزی	کارشناسی	۳۰
۹	خبره بانک و بانک مرکزی	کارشناسی ارشد	۳۲
۱۰	خبره بانک و بانک مرکزی	دکتری	۳۰
۱۱	خبره بانک و بانک مرکزی	دکتری	۸
۱۲	خبره حسابرسی بانکی	کارشناسی ارشد	۲۰

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-07]

[DOI: 10.61186/qjfep.11.43.31]

ادامه جدول ۱: جزئیات مصاحبه‌شوندگان به تفکیک خبرگان

ردیف	خبرگان	تحصیلات	سابقه کار
۱۳	خبره حسابرسی بانکی	کارشناسی	۵۰
۱۴	خبره حسابرسی بانکی	کارشناسی ارشد	۱۸
۱۵	خبره حسابرسی بانکی	کارشناسی ارشد	۲۰

۵ یافته‌های پژوهش

با انجام مصاحبه‌ها به شرح گفته شده در بخش نمونه آماری، متن مصاحبه‌ها پیاده و به روش دستی اقدام به انجام کدگذاری باز یا آزاد گردید که تحت آن مقوله‌های مرتبط شناسایی گردید. در زیر بخشی از یک مصاحبه انجام‌شده در این پژوهش، به شکل نمونه ارائه شده که نحوه کدگذاری باز (عبارت‌هایی که زیر آن‌ها خط کشیده شده است) در آن نشان داده شده است.

افراد خبره‌ای که در این حوزه هستند، در اقلیت هستند...، بانک‌های خیلی کوچک در سایر کشورها این مباحث را بلدند و انجام می‌دهند و در ایران بیشتر در حد ترجمه و ظاهرسازی دنبال شده است. در کشورهای دیگر حتی بانک‌های کوچک که دارای راهبری شرکتی مطلوب هستند، تک‌تک الزامات افشای ریسک را انجام و گزارش‌ها مفصلی برای افشا دارند و این در حالی است که در ایران مقررات مطلوب و کافی برای این حوزه نداریم ... در فضای کسب‌وکار ایران اطلاعات محرمانه تلقی شده و امکان شفاف‌سازی وجود ندارد و به همین علت با تردید و شک نسبت به قوانین و مقررات بین‌المللی برای افشا نگریسته می‌شود. نظام انگیزشی در بانک‌ها و بنگاه‌های اقتصادی به افشا پاداش نمی‌دهند و به مخفی‌کاری و تحریف در گزارشگری مالی در عمل پاداش می‌دهند و حتی ممکن است که حسابرسان تلاش کنند که افشا درست صورت گیرد، اما با فقدان نظام انگیزشی مانع جدی برای افشا وجود دارد.

با انجام کدگذاری آزاد یا باز به روش دستی، طبق روش گفته‌شده در بخش روش‌شناسی پژوهش، کدگذاری محوری پژوهش که مبتنی بر تفسیر و تحلیل نتایج استخراجی از مصاحبه‌ها به دست آمده است، به شرح نمودار ۴، انجام شد. این نمودار، خلاصه‌ای از نتایج استخراج‌شده از

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-07]

[DOI: 10.61186/qjfep.11.43.31]

مصاحبه‌های انجام شده است که در تحلیل و طراحی مدل عوامل مؤثر بر عدم افشای ریسک در بانک‌ها که در مقاله ارائه شده است (نمودار ۵)، استفاده شده است.

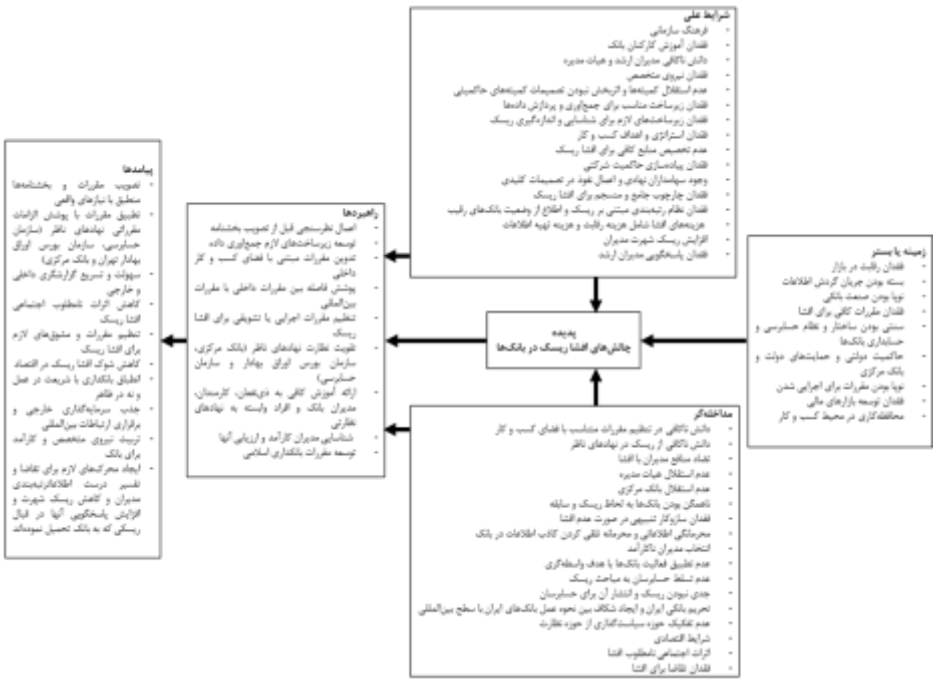

نمودار ۳: الگوی مفهومی تبیین موانع افشای ریسک در بانک

مبتنی بر آنچه پژوهشگر با انجام مصاحبه به آن رسیده است، در تفسیر هر یک از این موارد مبتنی بر نظرات ارائه‌شده توسط مصاحبه‌شوندگان، خلاصه‌ای از این نظرات در ادامه ارائه شده است.

بستر یا زمینه: بستر مجموع ویژگی‌های محیطی است که بر موضوع مورد بررسی اثر دارد. در بررسی بسترهای مؤثر که مانع از افشا و گزارش ریسک هستند عواملی همچون فقدان رقابت در بازار، بسته بودن جریان گردش اطلاعات، نوپا بودن صنعت بانکی، فقدان مقررات کافی و کارآمد، سنتی بودن ساختار و نظام حسابرسی و حسابداری بانک‌ها، حاکمیت دولتی و

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-07]
[DOI: 10.61186/qjfep.11.43.31]

حمایت‌های دولتی، نوپا بودن مقررات برای اجرایی شدن، فقدان توسعه بازارهای مالی و محافظه‌کاری در محیط کسب‌وکار دیده می‌شود.

صنعت بانکی ایران، نوپا و جوان است و به تبع قوانین و مقررات حاکم بر این صنعت با هدف نظارت و کنترل مؤثر و الزام نمودن به افشا و شفافیت بیشتر یا نوپا و جدید هستند و قدرت اجرایی بالایی ندارند و یا آنکه مقررات برای الزام به شفافیت بیشتر، کافی و کارآمد نیستند. به عبارتی، مقررات و استانداردهای بانکی در ایران جدید هستند. مقررات و بخشنامه‌های افشای ریسک بانک مرکزی از سال ۱۳۸۳ و مقررات بازار سرمایه برای انتشار در سال ۱۳۸۴ تصویب شده‌اند و از سوی دیگر، این مقررات درمجموع بیشتر از ۱۰ مورد نیستند. بررسی این جریان نشان می‌دهد که باوجود آنکه بخش عمده تأمین مالی در ایران بر اساس بازار پول بوده است، اما اکثر بانک‌ها و تمام مقررات حاکم بر افشای ریسک بانک‌ها طی سالیان اخیر تصویب‌شده و با توجه به سنتی بودن ساختار سازمان حسابرسی و حسابداری در بانک‌ها، بر اساس نظر حسابرسان شرکت‌کننده در مصاحبه، این مقررات هنوز جایگاه و اهمیت خود را برای حسابداران و حسابرسان ایجاد نکرده‌اند. علاوه بر آن، ساختار بانک‌ها عموماً سنتی است و مدیران با رویکردهای سنتی اقدام به مدیریت بانک می‌نمایند؛ البته در این میان بانک‌های تازه تأسیسی نیز هستند که با رویکردهای نوین و منطبق با مقررات بین‌المللی اقدام به اندازه‌گیری، نظارت و افشای اطلاعات ریسک خود حتی در وب‌سایت بانک می‌نمایند و مقوله ریسک برای آن‌ها جدی است، اما تعداد این بانک‌ها در شبکه بانکی کشور اندک است. همچنین، مدیران بانکی از طرف بانک مرکزی انتخاب می‌شوند که این مسئله شائبه حاکمیت دولتی و ساختار دولتی حاکم بر بانک را نیز ایجاد نموده و با توجه به آنکه بخشی از اعتبارات بانک‌ها تکلیفی دولت است و به تبع ریسک اعتباری بانک از این محل افزایش می‌یابد، این مسئله تشدید می‌شود و همین موضوع مانع جدی برای افشا و گزارش ریسک در بانک با مجوز نهاد ناظر است. از سوی دیگر، علاوه بر دولتی بودن و حاکمیت و حمایت دولت از بانک‌ها در ایران، فقدان رقابت و بسته بودن جریان اطلاعات در کنار ضعف‌های قانونی و مقرراتی حاکم بر شبکه بانکی نیز بر عدم افشا و گزارش ریسک در بانک‌های ایران اثرگذار است. مجموع

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-07]

[DOI: 10.61186/qjfep.11.43.31]

این عوامل موجب افزایش محافظه‌کاری در محیط کسب‌وکار می‌شود که محافظه‌کاری مانع از افشا و گزارش ریسک در بانک‌ها شده است. از دیگر دلایل زمینه‌ای که مانع از افشا است، مصلحت سنجی در مقابله با فساد و فقدان تمایل جمعی برای افشای ریسک است. مصلحت سنجی به سنجش شرایط اقتصادی و حرکت عاقلانه مبنی بر اینکه افشا احتمال ایجاد بی‌ثباتی و تشدید شرایط را ایجاد می‌کند، اشاره دارد. به عبارتی خبرگان بانکی و حسابرسان بانکی بر این باور هستند که گاهی افشای عمومی ریسک بانک ها به دلیل آنکه شرایط حال حاضر اقتصاد را تشدید می‌کند، ضرورت ندارد و از سوی دیگر، خبرگان بازار سرمایه با این بحث مخالف بودند و بر این باور بودند که افشا هر زمان که شرایط را بهتر ترسیم نماید و منجر به آن شود که سهامداران و ذی‌نفعان تصمیمات مبتنی بر ریسک و بازده دقیق‌تر و درست‌تری را بگیرند، ضرورت دارد. از سوی دیگر، برخی از خبرگان بازار سرمایه و بانکی بر این باور بودند که در حال حاضر به دلیل عدم آگاهی ذی‌نفعان از یک سو و عدم تمایل مدیران بانک‌ها به عنوان عرضه‌کننده اطلاعات، تمایل جمعی برای افشا و گزارش ریسک وجود ندارد. ذی‌نفعان به دلیل آگاهی کم نسبت به وجود چنین گزارش‌هایی و یا ناتوانی در درک و تفسیر اطلاعات، متقاضی نبوده و مدیران به دلیل آنکه به‌طور شفاف و روشن باید وضعیت و عملکرد مالی خود در حوزه ریسک را در مقام ارزیابی و نظارت رقبا، سهامداران، اعتباردهندگان و دولت‌ها قرار دهند، تمایلی برای این اقدام ندارند.

شرایط علی: شرایط علی مقوله یا شرایطی هستند که مقوله اصلی را تحت تأثیر قرار داده و به وقوع یا گسترش پدیده مورد نظر می‌انجامند. فرهنگ سازمانی، دانش ناکافی و فقدان آموزش‌های لازم، فقدان زیرساخت‌های مناسب و لازم برای داده‌ها، عدم استقلال کمیته‌های بانک و اثربخش نبودن تصمیمات کمیته‌ها، فقدان استراتژی و اهداف کسب‌وکار، عدم تخصیص منابع کافی برای افشای ریسک، ضعف در پیاده‌سازی حاکمیت شرکتی و وجود سهامداران نهادی، فقدان چارچوب منسجم برای افشا، فقدان نظام رتبه‌بندی مبتنی بر ریسک و هزینه‌های افشا شامل هزینه‌های رقابت، هزینه تهیه اطلاعات و هزینه‌های مدیریتی از شرایط علی چالش افشای ریسک هستند. بر اساس نظر خبرگان نظام بانکی ایران، فرهنگ سازمانی شفاف و روشنی برای شناسایی،

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-07]

[DOI: 10.61186/qjfep.11.43.31]

اندازه‌گیری و افشای ریسک در بانک‌ها وجود ندارد. فرهنگ سازمانی بانک اشاره به درک مفهوم واژه ریسک و نحوه اندازه‌گیری و گزارشگری آن منطبق با استانداردهای روز بین‌المللی، دارد که برای این منظور لازم است علاوه بر کارمندان، در سطوح مدیریتی نیز آموزش‌های کافی صورت گیرد. این ضعف علاوه بر آنکه ناشی از دانش ناکافی مدیران در پیاده‌سازی چنین فرهنگ و تصویب دستورالعمل‌های لازم است، ناشی از دانش ناکافی و عدم تبحر و تخصص نیروی کار در بانک نیز است. علاوه بر آن بانک‌ها با فقدان استراتژی و اهداف کسب‌وکار مواجه هستند. بخشی از ریسک به میزان دستیابی به اهداف و استراتژی‌ها اشاره دارد و ریسک از این مفهوم فاصله بین نتایج با آنچه انتظار وقوع آن وجود داشته است، است که در نبود اهداف کسب‌وکار و استراتژی‌های سازمانی، ریسک قابلیت شناسایی و تعریف را ندارد. از سوی دیگر، مبتنی بر مصاحبه انجام‌شده با خبرگان بانکی، فقدان پیاده‌سازی درست حاکمیت شرکتی در بانک‌ها وجود دارد و به تبع، در نبود حاکمیت شرکتی قوی در بانک، استقلال کمیته‌های حسابرسی و ریسک نیز مورد تردید است که مجموع این عوامل به‌عنوان مانع جدی افشای ریسک در بانک تبدیل شده‌اند. البته در این میان وجود سهامداران نهادی و گاهاً عضویت آن‌ها در کمیته‌های تخصصی بانک‌ها موجب شده است که مسئله شناسایی، اندازه‌گیری و افشای ریسک، به دلیل تضاد منافعی که ایجاد می‌کند در کمیته تخصصی ریسک بانک نادیده گرفته شود. از دیگر دلایل علی برای عدم افشای ریسک در بانک‌ها می‌توان به فقدان نظام انگیزشی برای افشای ریسک و نداشتن چارچوب مطلوب افشا اشاره نمود. بانک‌ها بابت افشا دقیق، درست و آگاهی‌دهنده ریسک تشویق نمی‌شوند. به عبارتی، نظام انگیزشی برای افشای ریسک در بانک‌ها وجود ندارد و مدیران برای فرار از هزینه‌های افشا تمایلی برای افشا ندارند. از سوی دیگر، فقدان چارچوب مطلوب برای افشا و گزارش ریسک در بانک‌ها نیز خود مزیت بر علت است. همچنین، در بانک‌های ایران زیرساخت‌های لازم برای جمع‌آوری داده‌های ریسک (شناسایی و اندازه‌گیری) وجود ندارد. این مسئله به ضعف‌های زیرساختی در فناوری اطلاعات نیز مرتبط است و از سوی دیگر، معمولاً منابع کافی در بانک برای افشای ریسک که شامل شناسایی، اندازه‌گیری و گزارش آن توسط نیروهای

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-07]

[DOI: 10.61186/qjfep.11.43.31]

خبره و متبحر است، تخصیص داده نمی‌شود. با نبود منابع کافی معمولاً زیرساخت‌های لازم توسعه داده نمی‌شود و فرآیند شناسایی و اندازه‌گیری به همان شیوه‌های سنتی و قدیمی باقی می‌ماند. در این میان سهامداران نهادی نیز از دیگر دلایل و چالش‌های افشای ریسک است. با توجه به آنکه سهامداران نهادی دارای یک نماینده در هیئت‌مدیره هستند و از وضعیت و عملکرد بانک مبتنی بر گزارش‌های داخلی مطلع هستند، معمولاً تمایل چندانی برای افشای ریسک ندارند. در بانک‌های ایران نظام رتبه‌بندی مبتنی بر ریسک به‌گونه‌ای که بانک‌ها از وضعیت بانک‌های رقیب مطلع باشند وجود ندارد. این فقدان به دلیل ضعف‌های موجود در بدنه بانک مثل فقدان فرهنگ سازمانی ریسک و دانش ناکافی مدیران و کارمندان از مسئله ریسک است و بخشی از آن به دلیل شرایط بستر مثل محافظه‌کاری و فقدان توسعه بازارهای مالی است. این مسئله موجب شده است که بانک‌ها انگیزه‌ای برای افشای ریسک نداشته باشند، زیرا در نبود نظام رتبه‌بندی مبتنی بر ریسک و رقابت بین بانک‌ها برای کسب جایگاه مطلوب در این نظام، افشا برای آن‌ها منافعی همچون بهبود وضعیت رتبه اعتباری و کسب‌وکار بانک را فراهم نمی‌کند و علاوه بر آن افشا برای آن‌ها هزینه به همراه خواهد داشت. علاوه بر آن هزینه‌های افشا نیز خود مانع جدی برای افشای ریسک هستند. هزینه‌های افشا شامل افزایش هزینه رقابت، هزینه تهیه اطلاعات دقیق و قابل اتکا و هزینه‌های مدیریتی همچون افزایش ریسک شهرت مدیران است که مانع از افشای ریسک می‌باشند.

شرایط مداخله‌گر: شرایط مداخله‌گر شرایط ساختاری هستند که به پدیده تعلق داشته و بر کنش و واکنش آن اثر می‌گذارد، به‌گونه‌ای که کنش و واکنش را سهولت بخشیده یا محدود می‌نماید. در این مدل عواملی همچون تضاد منافع و عدم استقلال مدیران، دانش ناکافی و عدم استقلال نهادهای نظارتی و محرمانگی اطلاعات از مهم‌ترین شرایط مداخله‌گر مؤثر در مدل بوده است. تنظیم‌کنندگان استانداردها و مقررات باید دانش کافی از تنظیم مقررات و استانداردها متناسب با فضای کسب‌وکار ایران را داشته باشند و مقررات در عین هم‌راستای با مقررات بین‌المللی باید شرایط اقتصادی و شرایط بانکی ایران از جمله الزام رعایت شرعیت را لحاظ نموده و تنظیم شوند. همچنین، با توجه به تسهیلات تکلیفی بانک‌ها و افزایش ریسک و انتخاب مدیرعامل بانک‌ها

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-07]

[DOI: 10.61186/qjfep.11.43.31]

توسط بانک مرکزی افشای ریسک در صورتی که گزارش شرایط بد اقتصادی باشد، یا بی‌ثباتی را ترویج دهد و یا موجب شوک در محیط کسب‌وکار شود، انجام نمی‌شود و نهاد ناظر از این مسئله حمایت می‌کند. از سوی دیگر، نهادهای ناظر مقررات تنبیهی یا مقرراتی که ضمانت اجرای مقررات افشای ریسک باشد را ارائه ننموده‌اند. به عبارتی، در ایران نه تنها مجازات تنبیهی بابت عدم افشا نداریم، بلکه گاهی اثرات نامطلوب افشا متوجه بانکی است که اقدام به افشای اطلاعات خود کرده است. از دیگر چالش‌های افشای ریسک مسئله محرمانگی اطلاعات است. اطلاعات در شبکه بانکی معمولاً محرمانه تلقی شده و تا جای ممکن از انتشار آن در فضای عمومی جامعه ممانعت می‌شود که این مسئله به چالش جدی برای افشای ریسک تبدیل شده است. همچنین، حسابرسان نگاه سنتی به مقوله ارزیابی و تحلیل ریسک بانکی داشته و درمجموع، عدم تمایل حسابرسان، ناکافی بودن مقررات نهاد ناظر برای افشای ریسک در بانک و عدم تمایل کارفرما (مدیرعامل بانک) برای افشای ریسک، موانع جدی برای افشا هستند. از دیگر شرایط مداخله‌گر مؤثر بر فقدان افشای مطلوب ریسک، تحریم‌های بانکی طی سال‌های اخیر بوده است. این تحریم‌ها شکاف جدی بین نحوه عمل بانک‌های ایران با مقررات و استانداردهای بین‌المللی ایجاد نموده است. با توجه به تحریم‌های بانکی ایران و جدایی بانک‌های ایران از آنچه در سطح بین‌المللی در حال وقوع بود، نه تنها مسئله ریسک، بلکه در سایر مسائل بانکی نیز شکاف عمیقی بین نحوه عمل بانک‌های ایران با مقررات بین‌المللی ایجاد شد. علاوه بر آن تا قبل از تحریم‌ها، شرایط اقتصادی ایران با تورم بالا و افزایش نقدینگی در هرسال، مسئله ریسک و زیان‌های بانک بابت افزایش ریسک را پوشش می‌داد و تمایلی برای افشای ریسک همراه با اثرات نامطلوبی که احتمالاً بر جامعه و فضای کسب‌وکار می‌گذاشت، نبود.

راهبردها: راهبردها مبتنی بر کنش و واکنش‌هایی برای کنترل، اداره و برخورد با پدیده اصلی هستند. راهبردها هدف داشته و با دلیل مشخصی صورت می‌گیرند. در این بررسی و مبتنی بر نتایج مصاحبه راهبردها اعمال نظرسنجی قبل از تصویب بخشنامه، پیاده‌سازی زیرساخت‌های مناسب

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-07]

[DOI: 10.61186/qjfep.11.43.31]

مقرراتی و برقراری تناسب بین مقررات داخلی با بین‌المللی و تقویت نظارت از سوی مقام ناظر و توسعه مقررات بانکداری اسلامی است.

افشا به زیرساخت‌های مقرراتی نیاز دارد و نهاد ناظر همچون بانک مرکزی و سازمان بورس اوراق بهادار و سازمان حسابرسی باید در یک تعامل مشترک با یکدیگر، مقررات متناسب با فضای کسب‌وکار ایران و هم‌راستا با مقررات بین‌المللی را برای افشا و گزارش ریسک تدوین نمایند، اما قبل از تصویب و بخشنامه نمودن این مقررات ضرورت دارد نظرسنجی‌های قبلی از خبرگان و ذی‌نفعان گرفته شود. از سوی دیگر، این نهادها باید نظارت جامع و دقیقی بر افشا داشته باشند و افشای ریسک را با جدیت دنبال نمایند. در این ارتباط باید هر نهاد به‌طور مستقل به امر نظارت بپردازد و الزامات افشای ریسک را از بانک‌ها بخواهد. همچنین، در راستای ایجاد تقاضا باید فرهنگ‌سازی و آموزش‌های کافی ارائه شود. آموزش‌ها با محوریت ذی‌نفعان و استفاده‌کنندگان از اطلاعات بخصوص سهامداران، با محوریت کارمندان و مدیران بانک مبنی بر ضرورت‌های افشای ریسک و شیوه و روش شناسایی و اندازه‌گیری ریسک، با محوریت مقام ناظر به‌منظور ایجاد شناخت از اهمیت افشای ریسک و البته آموزش حسابرسان مبنی بر اینکه افشای ریسک یکی از افشائیات حائز اهمیت برای بانک‌ها است و حسابرس باید نسبت به شیوه شناسایی، اندازه‌گیری و گزارشگری ریسک در بانک حساس باشد. این آموزش‌ها علاوه بر تحریک تقاضا برای افشا، طرف عرضه را نیز ملزم به افشا و گزارشگری می‌نماید. از سوی دیگر، برقراری ساختار مطلوب حاکمیت شرکتی، ایجاد کمیته‌های حسابرسی و ریسک که با وظایف خود آشنا هستند و در راستای اهداف و استراتژی‌های سازمان به فعالیت می‌پردازند، نیز از راهبرهای برون‌رفت از عدم افشای ریسک خواهد بود. برقراری حاکمیت شرکتی مطلوب نه تنها شناسایی و اندازه‌گیری دقیق ریسک را تحقق می‌بخشد، بلکه از بعد شفافیت و گزارش آن به ذی‌نفعان نیز مؤثر و کارآمد است. همچنین ضرورت دارد مدیریت بانک، هیئت‌مدیره و سهامداران نهادی با اهمیت افشای ریسک و اثر آن بر بانک آشنا بوده و زیرساخت‌های لازم برای شناسایی، اندازه‌گیری و افشای ریسک را فراهم نمایند. علاوه بر آن ضرورت دارد مدیران کارآمد شبکه بانکی شناسایی و مدیران مبتنی بر

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-07]

[DOI: 10.61186/qjfep.11.43.31]

کارایی و اثربخش بودن تصمیماتشان در سطوح مدیریتی بانک ارتقا یافته و عملکرد آن‌ها از بعد ریسک و میزان دستیابی به اهداف و استراتژی‌ها ارزیابی شود. مسلماً مدیران کارآمد و مطلع از آخرین تغییرات بانکی و مسلط به مباحث بانکی، نسبت به ریسک و شناسایی و افشای آن حساسیت بیشتری دارند. همچنین مبتنی بر مصاحبه‌های انجام‌شده توسعه مقررات بانکداری اسلامی در ایران و پیاده‌سازی محتوای آن در عمل می‌تواند در این حوزه راه‌گشا باشد، خصوصاً آنکه مقررات و استانداردهای اسلامی نیز بر مسئله شناسایی، اندازه‌گیری و افشای ریسک توجه و تأکید داشته‌اند (استاندارد شماره ۴ هیئت خدمات مالی اسلامی). از سوی دیگر با وقوع تحریم‌ها و عدم دسترسی بانک‌ها به منابع بین‌المللی و فقدان امکان انتقال پول و کنترل حجم نقدینگی و کاهش تورم و به تبع انجماد سرمایه بانک‌ها در دارایی‌های فیزیکی، مسئله ریسک برای مدیران بانک‌ها به مسئله حائز اهمیتی طی دو الی سه سال اخیر تبدیل شده و این تغییر در نحوه نگرش مدیران به ریسک می‌تواند مقدمه‌ای برای انجام تغییر و اصلاح قوانین و مقررات و کاهش شکاف بین مقررات داخلی و بین‌المللی گردد و از سوی دیگر انگیزه‌های توجه به ریسک و افشا آن را در مدیران افزایش دهد.

پیامدها: پیامدها نتایجی که در اثر راهبردها پدیدار می‌شود را پیامد می‌گویند. پیامدها نتیجه کنش و واکنش هستند. در این مدل تصویب مقررات و بخشنامه‌ها منطبق با نیازهای واقعی، تطبیق مقررات با پوشش الزامات مقرراتی نهادهای ناظر، سهولت و تسریع گزارشگری داخلی و خارجی، کاهش اثرات نامطلوب اجتماعی، تنظیم مقررات تشویقی برای افشای ریسک، کاهش شوک افشای ریسک در اقتصاد، انطباق بانکداری با شریعت، جذب سرمایه‌گذاری خارجی و برقراری تعاملات بین‌المللی، تربیت نیروهای متخصص و کارآمد و ایجاد محرک‌های لازم برای تقاضا و تفسیر درست اطلاعات و کاهش ریسک شهرت و سایر هزینه‌های افشای ریسک، از جمله پیامدهای افشای ریسک است. با بررسی و چاره‌جویی برای فقدان افشای ریسک در بانک‌ها بخشی از چالش‌ها ضعف‌های مقرراتی و نظارتی بود که برای رفع آن ضرورت دارد نگاه ویژه‌ای به مسئله مقررات شود و نظارت کافی بر نحوه عمل بانک بخصوص در بحث شناسایی،

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-07]

[DOI: 10.61186/qjfep.11.43.31]

اندازه‌گیری و افشای ریسک صورت گیرد. علاوه بر آن توسعه افشای ریسک مبتنی بر مقررات داخلی و منطبق با مقررات بین‌المللی بخشی از چالش‌های گزارشگری بین‌المللی و جذب سرمایه را پوشش می‌دهد و با توجه به آنکه بانکداری در ایران بانکداری مبتنی بر اصول شریعت و اسلامی است، می‌توان در جه انطباق افشای ریسک با مقررات اسلامی را نیز تبیین نمود. علاوه بر آن افشا به‌طور مرتب و باثبات می‌تواند از ایجاد شوک ناگهانی در اقتصاد ممانعت نماید و بانک‌های بی‌ثبات و پر ریسک قبل از رخداد بحران شناسایی شود. همچنین چنین گزارشگری می‌تواند تقاضا برای افشای ریسک را تحریک نماید و ذی‌نفعان گزارش افشای ریسک را تفسیر و در تصمیمات سرمایه‌گذاری خود دخیل نمایند. همچنین گزارش ریسک بانک‌ها نحوه عمل مدیران بانک را نشان می‌دهد که این مسئله امکان سنجش مدیران، پاسخگویی و کاهش ریسک شهرت آن‌ها را به همراه دارد و برآمد آن تبیین مدیران کارآمد و متخصص است. در صورتی که مدیران کارآمد و متخصص در بانک شناسایی شود، این مدیران توانایی ایجاد و تربیت نیروهای آموزش‌دیده و متخصص و تربیت مدیران کارآمد در بدنه بانک را خواهند داشت و مجموع این عوامل موجب ایجاد فرهنگ سازمانی ریسک در بانک می‌شود. به‌گونه‌ای که هم طرف عرضه و هم طرف تقاضای اطلاعات، برای افشای ریسک تمایل داشته و افشای ریسک با نظارت و کنترل نهادهای نظارتی و مبتنی بر مقررات کافی و کارآمد، درنهایت منجر به ایجاد فضای رقابتی، توسعه بازار پولی و کاهش شکاف بین نحوه عمل بانک‌ها با مقررت و الزامات نظارتی بین‌المللی خواهد شد. علاوه بر آن افشای ریسک به‌موقع و قابل اتکا امکان بروز بحران‌های مالی ناگهانی در اقتصاد را کاهش می‌دهد و بابت هر اتفاق و رویداد بی‌ثبات‌کننده در شبکه بانکی نظارت و کنترل مؤثر صورت خواهد گرفت. مجموعه این عوامل بر کارآمدی شبکه بانکی کشور و رونق و رشد اقتصادی و ایجاد فضای اعتماد به بانک‌ها در کشور مؤثر خواهد بود.

درنهایت با استفاده از کدگذاری انتخابی یا گزینشی، مدل جامع موانع افشای ریسک با تأکید بر نتایج به دست آمده از مصاحبه سه گروه از خبرگان شامل خبرگان بازار سرمایه، خبرگان بانکی و بانک مرکزی و خبرگان حسابرسی بانک در نمودار ۵ ارائه شده است. بر این اساس، خبرگان

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-07]

[DOI: 10.61186/qjfep.11.43.31]

بازار سرمایه موانع و دلایل عدم توفیق در افشای ریسک را از منظر نهاد ناظر بازار، سهامداران و ذی‌نفعان مورد بحث قرار دادند. خبرگان بانکی و بانک مرکزی نیز افشای ریسک و موانع آن را از منظر نهاد ناظر بر بانک‌ها و بانک‌ها به‌عنوان عرضه‌کننده اطلاعات بحث نمودند و حسابرسان بانکی به عنوان افراد مستقل که بر مطلوبیت ارائه صورت‌های مالی بانک‌ها اظهارنظر می‌کنند، فقدان افشای ریسک در بانک را از بعد انطباق و قوانین و مقررات حاکم و چرایی عدم افشا مورد طرح و بحث قرار دادند.

نمودار ۵: الگوی مفهومی موانع افشای ریسک در ایران

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-07]

[DOI: 10.61186/qjfep.11.43.31]

٦. نحوه ارزیابی و اعتباربخشی

در این پژوهش برای سنجش اعتبار، پس از استخراج مدل نهایی موانع افشای ریسک در بانک‌ها، مجدد مدل با برخی از خبرگان مورد بحث و بررسی قرار گرفت. گروه خبرگان شامل افرادی بودند که در مرحله جمع‌آوری داده با آن‌ها مصاحبه عمیق شده بود و افرادی که با آن‌ها مصاحبه انجام نشده بود. علاوه بر آن، مدل نهایی با یافته‌های پژوهشی به‌دست‌آمده از بررسی پیشینه پژوهش نیز مقایسه و بررسی شد. مدل پژوهش علاوه بر پوشش تمام عوامل شناسایی‌شده به عنوان چالش افشای ریسک که از بررسی ادبیات تجربی استخراج شده بود، موارد دیگری را نیز شناسایی نموده بود و نتایج پژوهش منجر به ارائه مدل کامل‌تری از موانع افشای ریسک در بازار مالی ایران بود.

۷. نتیجه‌گیری

در نظام بانکی ایران، با وجود قوانین و مقررات برای افشای ریسک و افشای اجباری ریسک برای شبکه بانکی، هیچ‌گاه شاهد گزارش منسجم و جامعی از افشای ریسک بانک‌ها در بازار مالی ایران نبوده‌ایم؛ بنابراین این سؤال مطرح است که چه عواملی مانع از افشای ریسک در بانک‌های ایرانی می‌شود؟ نتایج این پژوهش نشان داد عوامل جدی که مانع از افشا هستند در قالب چهار چالش شامل چالش‌های محیطی، چالش‌های نهاد ناظر، چالش‌های کلان و چالش‌های صنعت بانکی قابل طبقه‌بندی هستند.

چالش‌های محیطی به ضعف‌های موجود در محیط کسب‌وکار بانک‌ها مثل فقدان رقابت در بازار، محافظه‌کاری و بسته بودن جریان گردش اطلاعات اشاره دارد.

چالش‌های نهاد ناظر از دو منظر چالش‌های مقررات‌گذاری و چالش‌های نظارت و کنترل قابل طرح است. چالش‌های مقررات‌گذاری به ضعف‌های قانونی و نوپا بودن مقررات اشاره دارد و ضعف‌های نظارت و کنترل ضعف‌های نظارتی و عدم تسلط نهادهای ناظر با مقوله ریسک و نحوه شناسایی، اندازه‌گیری و افشا آن را مورد توجه قرار داده است.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-07]

[DOI: 10.61186/qjfep.11.43.31]

چالش‌های کلان به چالش‌هایی اشاره دارد که در سطح اقتصاد و دولت بر فقدان افشای ریسک بانک‌ها اثرگذار است. این چالش‌ها عموماً حول محور سنتی بودن بانکداری و نظام حسابداری و حسابرسی بانکی و عدم استقلال بانک‌ها از بانک مرکزی و دولت قرار دارد. به عبارتی انتخاب مدیران بانک‌ها از طرف بانک مرکزی و وابستگی بانک‌ها به بانک مرکزی و مشوق‌ها و حمایت‌های دولت و بانک مرکزی از بانک‌های ایران، به‌گونه‌ای که پدیده ورشکستگی و افزایش ریسک برای بانک‌ها به واسطه این حمایت‌ها منتفی است، موجب شده است مسئله ریسک و اهمیت افشا و گزارش آن و تأثیر آن در تصمیمات ذی‌نفعان بانک معمولاً نادیده گرفته شود و حتی دولت به واسطه همین حمایت گاهاً تسهیلات تکلیفی را بر دوش بانک‌ها قرار می‌دهد که نتیجه آن افزایش ریسک بانک است، اما با حمایت و پشتیبانی از عملیات بانک و انتخاب مدیران وابسته به خود بر صدر ریاست بانک، به بانک‌ها مجوز عدم افشا و شفافیت را می‌دهند تا با پنهان نمودن شرایط نامطلوب، علاوه بر حمایت از بانک، به اقتصاد کشور بحران و شوک وارد نشود و بانک با اثرات نامطلوب اجتماعی ناشی از افشا عملکرد خود مواجه نشود.

چالش‌های صنعت بانکی شامل چالش‌های کلان در سطح شبکه بانکی و چالش‌های خرد در سطح یک بانک است. چالش‌های کلان شامل نوپا بودن صنعت بانکی، هزینه‌های افشا برای همه بانک‌ها افزایش ریسک شهرت و فقدان پاسخگویی مدیران بانک‌ها و عدم تطبیق فعالیت بانک‌ها با اهداف واسطه‌گری است و چالش‌های خرد شامل شرایط محیطی بانک مثل فرهنگ سازمانی، عدم استقلال کمیته‌ها، فقدان استراتژی و اهداف کسب‌وکار و انتخاب مدیران ناکارآمد است. علاوه بر آن فقدان زیرساخت‌های لازم برای جمع‌آوری و تفسیر داده‌های ریسک بانک و فقدان آموزش و تخصص کافی در سطوح مدیریتی و کارشناسان در بانک از چالش‌های مطرح است. همچنین در این مدل شرایط زمینه و محیط کسب‌وکار بانکی در ایران، شرایط علی و شرایط مداخله‌گر که چالش افشای ریسک در بانک‌های ایران هستند، شناسایی و راهبردهای برون‌رفت از وضع موجود و پیامدهای مؤثر افشای ریسک نیز تحلیل و بررسی شد.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-07]

[DOI: 10.61186/qjfep.11.43.31]

درمجموع در تحلیل و تفسیر یافته‌های این پژوهش و درک چرایی وجود موانع جدی در افشای ریسک در بانک‌ها، باید پذیرفت که صنعت بانکی ایران، قدمت زیادی ندارد و بسیاری از مقررات و استانداردهای تدوین‌شده با هدف نظارت و کنترل مؤثر بر آن، جدید می‌باشند. در حال حاضر و با توجه به شرایط تحریمی که بر این صنعت سایه انداخته و موجب ایجاد شکاف بین صنعت بانکی با بخش بین‌المللی شده است، نهاد ناظر با همراهی شبکه بانکی در تلاش در تطابق با مقررات بین‌المللی و شریعت اسلامی، مسیر طولانی را در پیش دارد. قطعاً، افشای ریسک برای شبکه بانکی بسیار حائز اهمیت است و یکی از ضرورت‌های جدایی‌ناپذیر از شفافیت در صنعت بانکی است که نیازمند همکاری و نظارت مداوم نهادهای نظارتی همچون بانک مرکزی، سازمان بورس و اوراق بهادار و سازمان حسابرسی است. علاوه بر آن، لازم است که دانش در این حوزه انباشت گردد و برای منظور ضروری است که نیروهای متخصص و خبره در ارتباط با شناسایی، اندازه‌گیری و افشای ریسک در شبکه بانکی ایران به بازار عرضه شوند و فعالیت‌ها و اقدامات آن‌ها از سوی مدیران ارشد، سهامداران، حسابرسان، مقررات‌گذاران و جامعه جدی گرفته شود و در تصمیمات اقتصادی وارد شود. علاوه بر آن، از اعمال محافظه‌کاری و محرمانه تلقی نمودن اطلاعات ریسک خودداری و انتشار آن‌ها و استفاده از این نوع اطلاعات در تصمیمات اقتصادی ترویج گردد. درنهایت، پیشنهاد می‌شود تا قوانین و مقررات در انطباق با شرایط بین‌المللی مورد بازبینی و بازنگری قرار گیرد و در این فرآیند نظر خبرگان تمامی گروه‌های ذی‌نفع پرسیده و تا جای ممکن اعمال گردد. همچنین، باید تحت آموزش‌های اختصاصی شناسایی، اندازه‌گیری و افشای ریسک به یک ضرورت مهم در تصمیم‌گیری برای استفاده‌کننده اطلاعات و یک اقدام مهم برای تهیه‌کننده اطلاعات بدل شود.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-07]

[DOI: 10.61186/qjfep.11.43.31]

منابع

خوش‌خلق، ایرج، طالب نیا، قدرت اله (۱۴۰۰). تبیین اثر مفاهیم گزارشگری مالی بر سطح افشای ریسک در گزارشگری مالی سالانه در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *دانش سرمایه‌گذاری*، ۱۰(۳۸)، ۴۵۵-۴۷۳.

رحمانی، علی، سلیمانی، غلامرضا، طاهری، ماندانا (۱۴۰۰). بررسی پیامدهای مالی افشای ریسک در بازار سرمایه ایران: مطالعه موردی بانک‌های عضو بورس اوراق بهادار تهران. *مطالعات تجربی حسابداری مالی*، ۱۸(۷۰).

طاهری ماندانا، رحمانی علی، سلیمانی امیری غلامرضا. مقررات و استانداردهای داخلی و بین‌المللی افشای ریسک در بانک‌ها. فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی. ۱۳۹۸; ۷ (۲۸): ۱۴۵- ۱۷۷.

طاهری، ماندانا، رحمانی، علی، سلیمانی، غلامرضا (۱۳۹۸). ارتباط ارزشی افشای و گزارشگری ریسک در بانک‌های عضو بورس اوراق بهادار تهران. *پژوهش‌های حسابداری مالی*، ۱۱(۱)، ۱-۲۲.

نمازی، محمد، ابراهیمی میمند، مهدی (۱۴۰۰). افشا و گزارشگری ریسک شرکت‌ها: ارائه چارچوب جامع. *مجله دانش حسابداری*، ۱۲(۲)، ۱-۲۷.

نمازی، محمد، ابراهیمی میمند، مهدی (۱۳۹۵). بررسی چگونگی افشای ریسک در گزارش سالانه شرکت‌ها و عوامل مؤثر بر آن. *دانش حسابداری مالی*، ۳(۲)، ۳۰-۱.

Bao, D., Kim, Y., Mian, G. M., & Su, L. (2019). Do managers disclose or withhold bad news? Evidence from short interest. *The Accounting Review*, *94*(3), 1-26.

Cadiou C., Mars, M., (2012), Basel II Pillar 3: Challenges for banks. *The Journal of Global Perspectives on Challenges and Opportunities*, 30-35.

Camilleri, M. A. (2018). Theoretical insights on integrated reporting: The inclusion of non-financial capitals in corporate disclosures. *Corporate Communications: An International Journal*.

Clinch, G., & Verrecchia, R. E. (2015). Voluntary disclosure and the cost of capital. *Australian Journal of Management*, *40*(2), 201-223.

Corbin, Juliet, Strauss, Anselm. (2008). *Basics of Qualitative research, techiniques and procedures for developing Grounded Theory*. 3th edition.

Creswell, J. W. (2005). *Educational research: Planning, conducting, and evaluating quantitative and qualitative research* (2nd ed). Upper Saddle River, N. J.: Pearson Merrill Prentice Hall.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-07]

[DOI: 10.61186/qjfep.11.43.31]

Davies, J., Moxey, P., & Welch, I. (2010). *Risk and reward: tempering the pursuit of profit*. ACCA, London.

Dumay, J., La Torre, M., & Farneti, F. (2019). Developing trust through stewardship: Implications for intellectual capital, integrated reporting, and the EU Directive 2014/95/EU. *Journal of Intellectual Capital*.

European Commission. (2019). *The European Green Deal*.

Garrow, N., Somerset, N., Awolowo, I., & Clark, M. (2019). Trust: The critical factor in theory and practice, from banks to cakes.

Hofinger, J. (2021). *Regulatory risk disclosure in the banking industry: A scoring model approach* (Doctoral dissertation, Sheffield Hallam University).

Jackson, G., Bartosch, J., Avetisyan, E., Kinderman, D., & Knudsen, J. S. (2020). Mandatory non-financial disclosure and its influence on CSR: An international comparison. *Journal of Business Ethics*, *162*(2), 323-342.

Jia, J., Munro, L., & Buckby, S. (2016). A finer-grained approach to assessing the "quality"("quantity" and "richness") of risk management disclosures. *Managerial Auditing Journal*.

khoshkholg, I., Talebnia, G. (2021). Explaining the effect of financial reporting concepts on the level of risk disclosure in annual financial reporting in companies listed on the Tehran Stock Exchange. *Journal of Investment Knowledge*, 10(38), 455-473. [In Persian]

Leopizzi, R., Iazzi, A., Venturelli, A., & Principale, S. (2020). Nonfinancial risk disclosure: The "state of the art" of Italian companies. *Corporate Social Responsibility and Environmental Management*, *27*(1), 358-368.

Linsley, P. M., Shrives, P. J., & Crumpton, M. (2006). Risk disclosure: An exploratory study of UK and Canadian banks. *Journal of Banking Regulation*, 7(3), 268-282.

Marshall, A., & Weetman, P. (2007). Modelling transparency in disclosure: the case of foreign exchange risk management. *Journal of Business Finance & Accounting*, 34(5-6), 705-739.

Mazzotta, R., Bronzetti, G., & Veltri, S. (2020). Are mandatory non-financial disclosures credible? Evidence from Italian listed companies. *Corporate Social Responsibility and Environmental Management*, *27*(4), 1900-1913.

Namazi, M., Ebrahimi Maimand, M. (2016). Studying the Disclosure of Risk and Influential Factors on This Disclosure. *Financial Accounting Knowledge*, 3(2), 1-29. [In Persian]

namazi, M., Ebrahimi Maimand, M. (2021). Firms' Risk Disclosure and Reporting: A Comprehensive Framework. *Journal of Knowledge Accounting*, 12(2), 1-27. [In Persian]

Rahmani, A., Solimani, G., Taheri, M. (2021). The Financial Consequences of Risk Disclosure in the Iranian Capital Market: A Case Study of Banks Listed in Tehran Stock Exchange. *Empirical Studies in Financial Accounting*, 18(70) .[In Persian]

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-07]

[DOI: 10.61186/qjfep.11.43.31]

Schoenfeld, J. (2017). The effect of voluntary disclosure on stock liquidity: New evidence from index funds. *Journal of Accounting and Economics*, *63*(1), 51-74.

scott, M., (2010), *Putting people, planet and profit into the annual report*. Financial Times, FTfm supplement, 29 November 2010.

Strauss, A. & Corbin, J. (1990), *Basics of Qualitative Research: Grounded Theory Procedures and Techniques*, London: Sage.

Strauss, A. and Corbin, J. (1998) *Basics of Qualitative, Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory*, Thousand Oaks: Sage Publications.

Taheri M, rahmani A, soleimani G. domestic and international regulations and standards for risk disclosure in banks. *quarterly journal of fiscal and Economic Policies*. 2020; 7 (28):145-177. [In Persian]

taheri, M., rahmani, A., soleimani, G. (2019). Value relevance of risk disclosure in Iranian listed banks. *Journal of Financial Accounting Research*, 11(1), 1-22. [In Persian]

Veltri, S., De Luca, F., & Phan, H. T. P. (2020). Do investors value companies' mandatory nonfinancial risk disclosure? An empirical analysis of the Italian context after the EU Directive. *Business Strategy and the Environment*, *29*(6), 2226-2237.

Verrecchia, R. E. (2001). Essays on disclosure. *Journal of accounting and economics*, 32(1-3), 97-180.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-07]

[DOI: 10.61186/qjfep.11.43.31]

فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-07]

[DOI: 10.61186/qjfep.11.43.31]